

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در جهان

۱۳

تحول فکری افلاطون و سبب آن

بطوریکه گفته شد کتاب جمهوری را افلاطون در اوائل جوانی نوشته و تشریح شد که اوضاع اجتماعی و وضع استثنائی که آتن پس از جنگ پلوپونز و شکست اسپارت بخود گرفته بود در فرضیه عملی افلاطون نسبت بدولت ایدالی یا مدینه فاضله او تأثیر داشته و چنانچه گذشت روش عملی او با اشکال مواجه شد و لذا در مقام برآمده که بوسیله تعلیم و تربیت افکار عمومی را آماده برای پذیرفتن فرضیه های خود بنماید از اینرو آکادمی را تأسیس و در آنجا بتحقیق و تعلیم و تربیت افراد مستعد برآمد خیلی زود آکادمی افلاطون بزرگترین مکتب علمی در آن زمان گردید و مجمع دانشمندان زمان شد پس از مدتی کتاب زمامدار را تألیف نمود و در سنین کهولت بتحریر کتاب قوانین پرداخت ولی در دو کتاب اخیر بخصوص کتاب قوانین در روش عملی خود راجع بحکومت ایدالی خود تجدید نظر کرده چنین معلوم میشود در اثر گذشت زمان و تجربیات حاصله و تحقیقاتی که بعمل آورده متوجه گردیده که فرضیه اولیه او عملی و قابل اجرا نمیشد و لذا حکومت ایدالی دیگری را بجای آن پیشنهاد نموده کتاب جمهوری افلاطون معرف عقاید اصلی و فلسفه سیاسی افلاطون میباشد برای آشناسدن بطرز فکر سیاسی وی و اصول تعلیم و تربیت و بوجود آوردن اجتماع سالم آنچه از مندرجات کتاب جمهوری نقل شد کافی است برای پی بردن بحدود تحول فکری افلاطون چند جمله از کتاب قوانین نقل میشود افلاطون ضمن نامه هفتم در مواضع خود به تابعین دیون

چنین میگوید (نکذارید سیسیل یا هر شهر دیگری در هر کجا که باشد مطیع و منقاد اربابان بشری گردد بلکه کوشش کنید تابع قوانین باشند چنین است آئین من)

تحول فکری افلاطون از همین جمله کاملاً آشکار است زیرا در کتاب جمهوری فرض آن بود که حکومت منحصر بعهده معدودی باشد که تحت شرایط خاصی تربیت شوند و با شرایط مخصوص زندگی نمایند زمامدارانی که حائز آن شرایط بودند در حکومت تابع هیچ نوع قانون و مقرراتی نبودند لکن در فرضیه دوم میگوید زمامدار فیلسوف باید تحت لوای قانون باشد تمام افراد بدون استثناء اعم از زمامدار و رعیت متساویاً باید مطیع قانون باشند افلاطون در کتاب قوانین تصریح میکند باینکه قابل تردید نیست حکومت قانون بهتر از اراده مطلقه و بلهوسانه يك یا چند ستمگر است گمان می رود با همین مختصر تحول عقاید افلاطون در او آخر عمر برخواننده معلوم شده باشد آنچه را که همواره افلاطون در عقاید سیاسی خود دنبال میکند ایجاد هم آهنگی در جامعه میباشد و پس از یأس از فرضیه اولیه خود در جستجوی اصلی برآمده که بتواند جانشین فرضیه اولیه گردد و هم آهنگی مطلوب او را در جامعه بوجود آورد بالاخره افلاطون برای رسیدن باین مطلوب خود اصلی را مقرر داشت که در تاریخ فلسفه سیاسی در قرون بعد از او جلب توجه اکثریت فلاسفه و متفکرین را در باب تشکیلات سیاسی نمود و آن اصل عبارت از کشور مرکب و دولت مرکب میباشد و بمنظور از این ترکیب ایجاد رژیم است که حکومت ترکیبی از رژیم سلطنت و رژیم دموکراسی بوده باشد که در عرف فلسفه سیاست معاصر بر رژیم سلطنت مشروطه اصطلاح شده مقصود افلاطون از ایجاد چنین دولتی که آنرا دولت مرکب نامگذاری کرده آست که بوسیله تعادل نیروها و موازنه قدرتها در جامعه هم آهنگی که مطلوب او است برقرار گردد این رژیم در نظر افلاطون پیشنهادی بود جدید که برای نیل بهدف اصلی او یعنی ایجاد هم آهنگی در جامعه و برقراری ثبات و آرامش در نتیجه تقابل نیروهای سیاسی لازم بنظر میرسید این اصل پیشنهادی و فرضیه افلاطون را فلاسفه مبدء اصل مسلم سیاسی تفکیک قوای سه گانه در حکومتها میدانند که مو تسکیو آنرا ضمن تحلیل

حکومت و تشریح قانون اساسی انگلیس و مشروطیت آن کشور رمز موفقیت دموکراسی انگلستان میدانند.

افلاطون دولت مرکب را در کتاب قوانین چنین بیان کرده که در حکومت ترکیبی اصل خرد و حکمت در حکومت سلطنتی با اصل آزادی دموکراسی تحت لوای قانون مندرج است.

هدف افلاطون در مدینه فاضله ایجاد هم آهنگی در اجتماع سالم و اداره آن بوسیله زمامدار فیلسوف و مطلع بامور و برقراری عدالت اجتماعی در اجتماع میباشد.

بوجود آوردن اجتماع سالم در نظام افلاطونی تنها بوسیله تعلیم و تربیت عالی است چنانچه افلاطون در کتاب جمهوری خود بموضوع تعلیم و تربیت بیش از هر چیز اهمیت داده و صریحاً دولت را در نظام خود قبل از هر چیز مکلف بایجاد يك مؤسسه فرهنگی و تربیتی عالی دانسته میگوید اگر افراد خوب تربیت داده شوند و خوب تربیت شوند بسهولت بر مشکلات خود در اجتماع واقف گشته و در هنگام بروز حوادث از عهده رفع آن مشکلات برمیآیند افلاطون آنقدر بتعلیم و تربیت در کتاب جمهوری خود اهمیت داده که بعضی از علمای فلسفه سیاسی معتقدند که این مبحث سرفصل و مقاله اساسی کتاب جمهوری است.

روسو دانشمند مشهور میگوید کتاب جمهوری را با اشکال میتوان يك کتاب سیاسی نامید بلکه میتوان آنرا يك تحقیق سیاسی گفت ولی بزرگترین کتابی است که در باب تعلیم و تربیت در طی ادوار تاریخ تا کنون برشته تحریر درآمده.

افلاطون میگوید هر نوع اصلاح و ترقی در اجتماع با ایجاد يك مؤسسه فرهنگی خوب میسر است و اگر در تعلیم و تربیت و فرهنگ غفلت شود سایر عملیات دولت و کشور حائز اهمیت نیست.

در دولت مرکب (سلطنت مشروطه) که بعقیده بیشتر از فلاسفه از ابداعات افلاطون در نظام سیاست میباشد تأسیس و ایجاد اجتماع سالم و تعلیم و تربیت عالی باید بوسیله زمامدار فیلسوف و دانشمند در اجتماع استقرار یابد اصل تقسیم کار و رعایت اصل تخصص

در انجام امور اجتماعی و برقراری هم‌آهنگی در اجتماع بوسیله دولت تحت لوای قانون برهبری زمامدار فیلسوف باید مستقر گردد و اجرای این اصول بوسیله دولت مرکب میسر و قابل اجراء می‌باشد .

در جلد سوم کتاب قوانین افلاطون ظهور تمدن انسانی را از آغاز تاریخ مورد بحث قرار داده و مراحل بحرانی تاریخ بشری را نقل و اسباب و علل ترقی و تدنی ملل را تشریح نموده و از آن چنین نتیجه می‌گیرد که هدایت ملت و بمجرای صحیح قراردادن تحولاتی که نصیب جوامع انسانی میشود ضمن مطالعه علم سیاست با توجه و مطالعه در تاریخ تمدن بشری و سیر تکاملی آن بمنظور ثبات و آرامش سیاسی از وظایف حتمی زمامدار فیلسوف است .

منظور افلاطون آنستکه برای ثبات و آرامش سیاسی و استقرار هم‌آهنگی و برقراری عدالت اجتماعی توجه بتجارب حاصله گذشتگان که از مطالعه تاریخ تمدن بشری بدست می‌آید اقوی و افید از روش تحلیلی و استنباطی است .